

توسعه اجتماعی و مشارکت جوانان

لیان فیسن*

ترجمه نرگس زحمتی

- Creating Better Cities with Children and Youth: A Manual for Participation
- David Driskell
- London: UNESCO Earthscan Publications
- 2002, 208 pp.

دست اندرکاران مجرب نیز این فصول موجز ارزش مطالعه را دارد. فصل نخست با یک کار کاملاً جالب توجه، یعنی ارزیابی خود خواننده از شهرش به منزله مکانی برای زندگی جوانان به پایان می‌رسد. این کار به طور مؤثری لحن کتاب را به صورت راهنمایی عملی درمی‌آورد و خوانندگانی می‌یابد که محتوای کتاب را در قالب طرح محلی‌شان می‌ریزند. فصل دوم توصیفی است در مورد آنچه مشارکت را تعیین می‌کند و چگونه می‌توان مشارکت جوانان را «واقعی» ساخت. تصویری داریم که انواع مختلف مشارکت را نمایش می‌دهد (از حالت «تزیینی» گرفته تا «تصمیم‌گیری مشترک») این چارچوب بر اساس کتاب مراحل مشارکت کودکان (۱۹۹۹)، نوشته هارت (Hart) استوار است که درجات رو به فزونی فعالیت کودکان را در طرحی منطبق بر درجات بالاتر مشارکت ترسیم می‌کند. در اسکال هر نوع مشارکت را بر مبنای دو مؤلفه متمایز درجه‌بندی می‌کند: (۱) قدرت نسبی داده شده به مشارکت‌کنندگان و (۲) سطح تعامل با اجتماع. در حالی که نمودار نتیجه‌گیری پیچیده‌تر است و در مقایسه با مراحل هارت، مستلزم تلاش بیشتری برای فهمیدن است، پیچیدگیهای موجود در تعریف و ترسیم یک برنامه مشارکتی را بهتر ارائه می‌کند. فصل سوم با این جمله آغاز می‌شود که «یکی از رایج‌ترین تأملات در پایان طرحهای مشارکتی این است که زمان کافی صرف تفکر و آماده‌سازی فرایند پیش از شروع نمی‌شود» (P. 48). فصول سه تا پنج راهنمای مفیدی را در خصوص مراحل فراهمی می‌آورند که می‌تواند باعث اجتناب از این مسئله مکرر شود. صفحه تمرین طراحی فرایند در فصل چهار شیوه‌ای کاملاً سودمند برای تفکر درباره فرایند طراحی به شیوه‌ای نظام‌مند قبل از اجرای آن است. این فصل همچنین بخش کوتاهی را درباره فعالیتهای متناسب با سن دارد، اما متأسفانه به رابطه میان سن کودکان و آمادگی

کتاب دیوید دریسکل (Driskell) با نام ایجاد شهرهایی بهتر با کمک کودکان و نوجوانان: راهنمایی برای مشارکت کتاب راهنمای جامعی است برای وارد کردن کودکان در فرایند توسعه اجتماعی. این راهنما برای آن دسته از برنامه‌ریزان شهری، سازمانهای دولتی و غیرانتفاعی، مربیان و سایر دست اندرکاران توسعه اجتماعی نوشته شده است که پیشاپیش به ارزش مداخله جوانان باور دارند و به دنبال راهنمایی برای عملی کردن آن‌اند. همان‌گونه که در اسکال، مؤلف کتاب می‌گوید، این کتاب اساساً به «روشها و رهیافتهای میدانی آزموده شده برای ایجاد مشارکت می‌پردازد.» (P. 17)، و نه متقاعد کردن خواننده به ارزش مشارکت کودکان. از همین رو می‌توان گفت که کتاب بخشهای مفیدی از نظریه و نمونه‌های دنیای واقعی را که بنیان مزایای این رهیافت جامع به توسعه است، ارائه می‌دهد. اندیشه‌ها و اصول ارائه شده در این کتاب از خلال طرح رشد بین‌المللی در شهرها بسط یافته و آزموده شده است. این برنامه (احیاء و بسط طرح کوین لینچ که در دهه ۱۹۷۰ اجرا شد) جوانان را از شهرهای مختلف سراسر جهان با بازپژوهی و درک رابطه با همسایگان‌شان و نیز کوشش برای ارتقای قابلیت زیستی محیط زندگی‌شان درگیر کرده است. در اسکال با آوردن مطالعات موردی این طرح در متن کتاب، به طور مؤثری نظریه و عمل را به هم پیوند می‌زند. توصیفات مفصل‌تر هر طرح در کتاب راهنمای دیگری به نام رشد در جهان در حال شهری شدن، ویراسته لویس چاولا (Louise chawla) ارائه شده است.

کتاب ایجاد شهرهای بهتر به خوبی فصل‌بندی شده است و نثر روانی دارد. دو فصل اول کتاب شرح مختصری از مفاهیم اساسی و مزایای مشارکت جوانان در طرحهای اجتماعی ارائه می‌دهد. هر چند روی سخن این دو فصل کسانی است که آشنایی اندکی با این حوزه دارند، اما حتی برای

روانی و شناختی آنها برای فعالیتهای خاص (از قبیل فعالیتهایی که مستلزم تفکر انتزاعی است) نمی‌پردازد. این موضوع برای کتابی که قصد دارد برای طراحان و سیاست‌گذاران این امکان را فراهم کند که به اهمیت فعالیتهای توسعه‌ای مناسب و فراهم کردن تجارب ارزشمند برای کودکان توجه کنند، جای تأسف دارد. تأیید اهمیت این رابطه (همراه با برخی پیشنهادهای) این بخش را تقویت خواهد کرد.

این کتاب اساساً به «روشها و رهیافتهای میدانی آزموده شده برای ایجاد مشارکت» می‌پردازد

دریسل هر نوع مشارکت را

بر مبنای دو مؤلفه متمایز درجه‌بندی می‌کند:

(۱) قدرت نسبی داده شده به مشارکت‌کنندگان و

(۲) سطح تعامل با اجتماع

فصل ششم «جعبه ابزار جامعی برای مشارکت» فراهم می‌کند - شرحی از روشهایی که ممکن است برای تسهیل مشارکت به کار رود، شامل مصاحبه، الگوسازی رفتاری و گروههای کانونی. هر روش به شیوه‌ای نوشته شده است که «قائم به ذات باشد» - می‌توان از روشهای فردی کپی گرفت و در جلسات آموزشی توزیع کرد، بدون آنکه اطلاعاتی که برای اجرای آنها لازم است از دست برود. همان گونه که دریسل می‌گوید، این شیوه به برخی حشو و زوائد می‌انجامد، اما فایده این کتاب راهنما را افزایش می‌دهد. در آغاز فصل، نموداری تواناییها و ضعفهای هر روش را خلاصه می‌کند (به عنوان مثال زمان لازم، منابع، آشنایی با مشارکت‌کنندگان و غیره) که برای کمک به هدایت کاربران به سوی روشهای مناسب‌تر برای کارشان مفید خواهد بود.

در فصل پایانی، این نکته بررسی می‌شود که نتایج ارزیابی را چگونه می‌توان به برنامه‌های عملی برگرداند. مرور کاملی بر چگونگی تحلیل داده‌ها از چشم‌انداز این کتاب راهنما خارج است، اما دریسل کار بسیار خوبی انجام می‌دهد و رهنمودهای کلی و منابع مفید برای کمک به این فرایند را ارائه می‌دهد. تأکید این فصل بر تعیین اهداف دست‌یافتنی نیز ارزشمند است. این فصل تعادل خوبی را میان تشویق خواننده به اندیشیدن «خارج از کلیشه‌ها» و ارائه اهداف واقع‌گرایانه پدید می‌آورد. ارائه اهداف دست‌یافتنی اهمیت دارد، زیرا اهداف دست‌نیافتنی می‌تواند تجاربی منفی و دلسردکننده برای مشارکت‌کنندگان جوان به بار آورد.

این کتاب راهنما، چارچوب مفیدی را برای برنامه‌ریزی و اجرای طرحهای توسعه فراهم می‌کند، طرحهایی که کودکان و جوانان را به شیوه‌ای سودمند به کار می‌گیرند. این کتاب راهنما به ویژه به کاربران یاری خواهد کرد تا از پس رایج‌ترین موانع و دشواریهای این فعالیتهای برآیند. به علاوه، این کتاب راهنما را نباید مثل یک کتاب آشنایی برای مشارکت جوانان خواند. اظهارات دقیق دریسل اهمیت جنبه غیرقابل‌گرفته‌برداری این طرحها را مشخص می‌کند: «خطوط جادویی در افرادی که باعث ایجاد مشارکت می‌شوند و تعاملات انسانی که به ما بصیرت و الهام می‌بخشند و - سرانجام - بنیانهای نهایی و اساسی‌ای را فراهم می‌کنند تا براساس آنها شهرهای بهتری را بتوان ساخت» (P:176). این کتاب راهنما ابزار مفیدی است، اما ارائه یک طرح کاملاً موفق مستلزم کاربران پرنرژی و نوآور نیز هست.

پی‌نوشت:

* Lianne Fisman

منبع مقاله:

Children, Youth and Environment,
Volume 13 Issue 1 (Spring 2003)

